

## فهرستِ نقوش

- (۱) نقشِ پتَره از راهِ عَدْوَانِ نَبَل از بیداتِ دیباچه
- (۲) نقشِ کُودِ کَرَمَل در زمینِ پِهَوْدِ یَانِ رُو بَرُویِ صَفْحَهٗ پَنجَاه و پَنجَم
- (۳) نقشِ سَنگِ مَنفَرِدِ سَتُونِ آسَاءِ وادیِ مَوسِیِ رُو بَرُویِ صَفْحَهٗ هَشْتَاد و شَشَم
- (۴) نقشِ بَرَجِ نِمِرُود در زمینِ بَابِلِ رُو بَرُویِ صَفْحَهٗ یَك صد و بیست و ششم
- (۵) نقشِ سَرْدِ یَس در اَنْطُولِ رُو بَرُویِ صَفْحَهٗ یَك صد و هشتاد و یکم

## LIST OF ENGRAVINGS.

- |  |                             |
|--|-----------------------------|
| (1.) NORTH-EAST VIEW OF PETRA, . . . . .             | TO FACE PERSIAN TITLE-PAGE. |
| (2.) MOUNT CARMEL, . . . . .                         | " PAGE (55) 55              |
| (3.) ISOLATED COLUMN IN THE WADI<br>MOUSA, . . . . . | " PAGE (87) 86              |
| (4.) BIRS NIMROOD, . . . . .                         | " PAGE (127) 126            |
| (5.) SARDIS, IN ASIA MINOR, . . . . .                | " PAGE (181) 181            |

THE  
**EVIDENCE OF PROPHECY**

DERIVED FROM

**THE FULFILMENT OF THE PREDICTIONS OF THE  
HEBREW PROPHETS AND APOSTLES.**

BY THE

**REV. ALEXANDER KEITH, D.D.**

**TRANSLATED**

**AT OOROMIAH IN PERSIA, FROM THE ENGLISH ORIGINAL  
INTO THE PERSIAN LANGUAGE.**

BY THE

**REV. J. L. MERRICK,**

**ONE OF THE AMERICAN MISSIONARIES TO THE NESTORIANS  
IN PEAP PROVINCE.**

**EDINBURGH:**

**Printed for the London Religious Tract Society,  
(INCORPORATED 1799.)**

**BY THOMAS CONSTABLE, PRINTER TO THE QUEEN.**

**MDCCCXLVI.**

**CORRESPONDING TO 1262 OF THE HEJRAH.**



عش مدرع عامه، پيرو نعلی کوه انوم از طرف شمال شرق



رسالة كشف الآثار في قصص

انبيا بني إسرائيل

يعني

رسالة ذكر و تکمیل اقوال پیغمبران و حواریان عبرانی

که آنرا

مَرِيَّكَ نام قسيس ینگی دنیائی در بلد اَرومیه

از اصل زبان انگلیسیء مصنفش دکتر کیت قسيس اِکسی

بزبان فارسی ترجمه نمود

بفرمان لندن و لیجس ترکیت مسیته

(که در سال ۱۷۹۹ برقرار شد)

در دارالسلطنه این برغ المحروسه بدارالطباعة تومس کنستبل مطبوع گردید

۱۸۴۶  
سنة المسيحية مطابق سنة الهجرية ۱۲۶۲



حمدِ بي حدّ مرّ خدایِ پاکرا      آنکه جان بخشید مشّتِ خاکرا  
عقل داد و نطق و ادراک و شعور      تا پرستش سازد از روی حضور  
از پی دعوت به درگاهِ جلال      آن خدایِ مهربان و بی زوال  
انبیا بر خلقِ خود معبوت کرد      جمله‌گی آراسته در علم و فرد  
اوّل و آخر بر ایشان آشکار      خرقِ عادت هر یکی را صد هزار  
آمد و گفتند و رفتند آن همام      قرنِ چندی تا شود حجّت تمام

اما بعد

بر مطالعه کنندگان عزیز القدر پوشیده و مخفی نماناد که مراد از تألیف و تسطیر رساله کشف الآثار فی قصص انبیا، الأخیار ایقان تکمیل اقوال و صحّت معجزات انبیا، بنی اسرائیل است و ایراد دلائل محسوسه چندی است که بواسطه آن منافقین و متشککین فرنگستان محجّب لاجواب گردیدند و اصل علت اینکه چون مدت مدیدی اخبارات غیبی و الهامات لاریبی انبیا، بنی اسرائیل در زبان لاطین و یونان و السنه سائر فرنگستان ترجمه گشته در ادای و اقاصی بلاد مذبور انتشار و اشتهار تمام یافت و پرتو انوار علوم الهی بر دجنات اعالی و ادائی آن دیار تافت و از طلوع سعادت سرمدی حاجب ظلمانی، خود پرستی و بت پرستی بالمره از میان برخاست و صنم و شمن بر خاک خواری و بی اعتباری سپرده و سپری شد و اغلبی از صاحبان عقل و فطن آن وطن مقرو و معترف بوحدانیت فرد واحد گردید و کتب مقدسه عتیق و جدید را از روی خلوص و حضور دلیل طریق واحد صمد دانسته بر وی گرویدند تا آنکه بعد از مرور چندی از ایام طائفه منافق و صوفی انجام در میان بظهور آمد و بدعوی اینکه کلام معجز نظام انبیا، سلف را اعتبار و اعتمادی نیست لب بر نی عبادت نی صواب و نی نعیم نی

قیامت نی حساب و نی جهیم کشودند و گفتند \* \* حق همین هر چه آوریدست  
 از عدم مرؤرا کامل سرشته بیش و کم نیست بر ارسال مرسل احتیاج زانکه  
 کامل خویشتن دارد رواج و اکثر مردم را بمضمون خلق چه بود غیر یک  
 مشتمت علف در بهاران سبز و اندر دی تلف گمراه کرده گفتند انبیا را عقل  
 اندک بیش بود علمشان بر خلق دشواری نمود تا بر و گرد آمده ملت شدند  
 خود عبث بر زحمت و زاری زدند \* \* باری از این مقوله خیالات فاسد و کاسد  
 بی شمار تراشیده مایه اغوای بی خردان روزگار گردیدند و این معنی بارباب  
 فضل و کمال اثر کرده تأسف بر آواره گی و ضلالت ایشان خوردند علی هذا  
 علما و فقهای صاحب تمیز (بنا بر این که اقوال و علامات انبیا را هیچ شکی نیست  
 و هر که شک آورد کافر گردد و اینکه این گونه اعتقادات را محذول و منکوب  
 و دور افتاده گان جاده حقیقت را ارشاد نمایند) بقدر امکان از اخبار و آثار  
 و آیات و علامات جمع و تألیفات متین و امین طبع نموده در میان  
 خاص و عام انتشار تام دادند تا معتقدین را اعتقاد افزاید و گم گشته گانرا هدایت  
 نماید از آن جمله جناب دکتر کیث که یکی از قسیسان ولایت انگلیس  
 و در علم الهی مشغول تعلیم و تدریس است اصل این رساله را بزبان خود  
 ولایت تصنیف ساخت و چون در حقیقت آن چه صاحب تألیف از  
 اخبار و آثار و آیات و علامات در کتاب مزبور ودیعه گذاشته بود از دلائل  
 و براهن اظهر من الشمس و تحریرات و تقریرات وی نوعی آسان و عیان که  
 احدی را در او جای ایراد و اشکال نه پس بعزم مصلحت نسخه شریفه را  
 در اکثر السنه فرنگی حتی به عربی هم ترجمه نمودند تا منافقان بدون حرف  
 مجاب گردیده نزاع برخیزد و غرض از ترجمه وی بفارسی مبني است بر  
 اینکه اهل فضل و بلاغت آن دیار نیز حکمانه و حکیمانانه بر مطالب تألف  
 امعان نظر نموده انصاف دهند و حق خیر خواهی مصنف را در آنچه از  
 اخبارات و آثار آتیه انبیا بر او پوشیده بود و بر علمش افزود فراموش  
 نفرماید \*



## بدانکه رساله کشف الآثار مشتمل است بر هفده باب

باب اول (از صفحه ۲ تا ۱۸) در خراب شدن شهر اورشلیم که عبارت از بیت المقدس است

باب دوم (از صفحه ۱۸ تا ۴۰) در حوادث یهودیان

باب سوم (از صفحه ۴۰ تا ۷۲) در حوادث زمین یهودیان

باب چهارم (از صفحه ۷۲ تا ۷۵) در حوادث بنی عمون و زمین ایشان

باب پنجم (از صفحه ۷۵ تا ۷۹) در حوادث زمین و قبیله موآب

باب ششم (از صفحه ۷۹ تا ۸۹) در حوادث زمین و قبیله ادوم

باب هفتم (از صفحه ۸۹ تا ۹۴) در حوادث زمین فلسطیان

باب هشتم (از صفحه ۹۵ تا ۹۹) در حوادث شهر نینویه

باب نهم (از صفحه ۹۹ تا ۱۲۹) در حوادث شهر بابل

باب دهم (از صفحه ۱۳۰ تا ۱۳۵) در حوادث شهر صور

باب یازدهم (از صفحه ۱۳۶ تا ۱۴۲) در حوادث زمین و قبیله مصر

باب دوازدهم (از صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۴) در حوادث اهل عربستان

باب سیزدهم (از صفحه ۱۴۴ تا ۱۴۶) در حوادث اهالی آفریقه که عبارت

از اولاد حام پسر نوح باشد

باب چهاردهم (از صفحه ۱۴۶ تا ۱۷۸) در ظهور حضرت عیسی مسیح و منتشر

شدن دین وی بروی کل عالم

باب پانزدهم (از صفحه ۱۷۸ تا ۱۸۴) در حوادث هفت کلیسای آسیه اصغر

باب شانزدهم (از صفحه ۱۸۵ تا ۱۸۷) در قدیم و صحیح بودن کتب مقدس

باب هفدهم (از صفحه ۱۸۸ تا ۱۹۱) در نتیجه بیانات ابواب مذکورده •

رسالة كشف الآثار في قصص

انبياء بني إسرائيل

## باب اول

### در خراب شدن شهر اورشلیم که عبارت از بیت المقدس می باشد

پس بدانکه سلطنت بنی اسرائیل از ابتدا تا انتهایش یک هزار و پانصد سال و بیشتر پایداری داشته و حضرت موسی در اجرای شریعت از سائر صاحبان احکام عرف بیشتر قدرت و اختیار را گرفته و مردم را میفرمود که من حکم الهی را دادم و در حالتی که اطاعت نسبت بشریعت خود واجب گردانید پس برکات بسیار را وعده کرد و بلاهای شدید را اعلام ساخته که هرگاه بخلاف آن شریعت رفتار نمایند البته بایشان خواهد آمد \* و حکایات و تواریخ بنی اسرائیل در هر زمان اقوال تهدیدات حضرت موسی را تصدیق کرده است لیکن بیان همه آنها باعث طول کلام می شود اما قول آن جناب بعضی کلمات را داشته که بخصوصه واضح و آشکار بوده و مشتمل بمقدماتی که بعد ما نزدیکتر باشد و آن جناب که حکومت و شریعت ایشانرا بنا کرد پس باوجود فاصله زمانهای بسیار طریق ذوال سلطنت ایشانرا پیشتر خبر داد و هنگامی که آن قوم بی شهر و بی خانه در بیابان گردش میکردند پس آنها را به خراب شدن شهرها و ویران گشتن ولایت خودشان تهدید نموده می ترسانید \* و وقتی که زمین کنعان که ولایت بنی اسرائیل باشد اولاً بنظر ایشان آمد در حینی که فتح و ظفر یافته بودند و نزدیک شد که آن مملکت را تصرف بکنند در آن حالت جناب مذکور ویرانگی ولایت مزبور را خبر داد که آیاهی خواهد آمد که اولاد آنها مغلوب و بنده شده

از مملکت خود رانده می شوند \* و پیش از آنکه خودشان با رسم جنگ بولایت مذکور داخل شدند حضرت موسی دشمنان ایشان را بیان و وصف نموده که اولاد ایشان را مغلوب و خارج خواهند ساخت هر چند دشمنان مذکور از ولایت بسیار دور بر خواهند خاست و یک هزار و پانصد سال بعد از ایام آن جناب دشمنان مزبور خروج کرده لیکن آن حضرت (در توریة مثنی از آیه ۴۹ تا آیه ۵۲ فصل ۲۸) فرمود که \* خداوند از دور از کنار زمین قومی را چون عقاب تیز پرواز بر تو حمله ور خواهد گردانید قومی که زبان ایشان را نخواهی فهمید قومی ترش روی که آبروی پیرانرا نگاه ندارد و بر جوانان رحم نکند و نتایج بهائم و میوه زمینرا خواهند خورد تا هلاک شدند و از برایت غله و شیر و روغن زیت و بچگان گاو و گله های گوسفند ترا باقی نخواهند گذاشت تا ترا هلاک نموده باشند و ترا در تمامی دروازه های محاصره خواهند کرد تا آنکه دیوارهای بلند و محصونی که بر آنها مطمئنی در تمامی مملکت تو سرنگون شوند \* و اقوال مذکور بالتصام وقوع و وفا یافته چون دوری مقام رومیان و تعجیل رادرفتن و تاخت و تاز آنها مشهور بود و عقاب که علامت بیدق آنها بود و سلاح جنگ و زبان غریب و صورت و نموداری جنگ آموزی ایشان و ظلم بی فرق و غارت تمام که نسبت به بدن و مال یهودیان کرده پس همه این احوالات در اقوال مذکور بدقت وصف و بیان گردید و علاوه بر این چند نفر پادشاه روم مانند سپاسیان و ادریان و یولیوس سیریس با بعضی از لشکری خود از انگلستان تا بولایت یهودیان که سرحدات ممالک روم بود کوچیده و عقاب علامت بیدق لشکری آن قوم بوده و با سرعت و شتاب تمام در مغلوب ساختن یهودیه حمله ور گشته و اهل روم قوم تندروی و از نسب و سلسله قشون ملایم ممالک دیگر متفرق و جدا بودند و در مکانهای بسیار و در اورشلیم نیز اوقات مکرر یهودیان را بی فرق و بدون نظر بسن و حالت قتل کرده و در زیر دست ایشان

بنی اسرائیل بنده و خارج از مملکت خودشان گردیدند و کل مال ایشان ضبط و غارت شده پس مملکت آنها اولاً محالی از ممالک روم گشته آخر الامر مال مخصوص امپراطور رومیان گردید \* و در جنگ رومیان پس هر شهر ولایت یهودیه محاصره و مستخرشد و قلاع بلند و مضبوط یهودیان از بنیاد خراب گردید و علاوه بر این پیمغبر مذکور تفصیلاً فرموده احوالاتی را که بنهایت تمام دل خراش و هولناک بوده یعنی کیفیاتی که مشعر بانتهای انکسار و بیچارگی آنها باشد و عصی آخرین کد قحط و گرسنگی آدم ناامید را بان وا میدارد و مطلب دورترین که بخيال انسان نمیرسد مثلاً (در توریة منثلی از آیه ۵۳ تا آیه ۷۵ فصل ۲۸) فرموده \* میوه بدنّت یعنی گوشت پسران و دختران خود را بسبب محاصره و تنگنایی که دشمنانت ترا میرسانند خواهی خورد در میان شما مردی که متلذذ و بسیار متنعم است چشمش بر برادر خود و زن هم آغوش خود و بر فرزندانش که باقی مانده اند بدنگاه خواهد کرد بحدّی که بهر يك از ایشان از گوشت فرزندان خود که میخورد نخواهد داد زیرا که بسبب محاصره و تنگنایی که دشمن ترا در تمام دروازه‌هایت میرساند چیزی از برایش باقی نخواهد ماند و در میان شما زنی که متلذذ و متنعمه باشد بحدّی که بسبب متنعم و تلذذ کف پای بر زمین یارا نداشت که بگذارد او نیز چشمش بر شوهر هم آغوش خود و بر پسران و دختران خود بدنگاه خواهد کرد و همچنین به طفل تازه که از میان پایهای خود بیرون می آورد و بر اولادی که می‌زاید زیرا که آنها را به سبب احتیاج کل و بعلت محاصره و تنگنایی که دشمنانت ترا در اندرون دروازه‌هایت میرسانند به پنهانی خواهد خورد \* و فی الواقع چنانکه در توارخ مرقوم گشته این الهامات غیبی مهیب و دل خراش بارها وقوع یافته مانند زمانی که لشکری پادشاه سوریه یعنی شام شهر شومرون را که پای تخت ده سبط بنی اسرائیل بوده محاصره نمود پس يك کله خربه مبلغ هشتاد عدد نقره فروخته شد و ایامی

که بخت النصر پادشاه بابل اورشلیم را احاطه ساخته قحطي در شهر غالب آمده حتي نان براي خلق نماند و ديگر يوسف در تاريخ خود در باب جنگ روميان بلاهاي هولناک را نقل کرده که يهوديان در محاصره آخريين اورشلیم آن بلاها راديدند و گرسنگي بر همه گي خلق غلبه کرد حتي پسران از دهن پدران خودشان طعام را ربوده و مادران نيز نرم دلي و نازک خلقي را بر طرف ساخته از اولاد خودشان که در حالت تسليم جان بودند لقمه آخريين را گرفته و در هر خانه که در آنجا اثری از طعام پيدا ميشد در باره آن نزاع و جنگ مي افتاد و آنها که با يکديگر خويشاوندي کل داشتند پس در ميان خودشان از براي معاش زندگي نزاع وجدال مي کردند و ديگر در کتاب مقدس مرقوم شده که دوزن از شهر شومرون عهد بي رحمي و بي نظير را با يکديگر بستند که بچه يکي را اول خورده پس بچه ديگري را بعد از آن بخورند و علاوه بر اين پرمياه پيغمبر نالش و شکايت تلخ ناک را نموده در خصوص تنگنايهاي محاصره که خودش ملاحظه کرده يعني (در آيه ۱۰ فصل ۴ نياحات) فرموده \* دستهاي زنان پر رحم اطفال خود را پختند در انهدام دختر قوم من خوراک ايشان همين بود \* و ديگر يوسف تاريخ نويس اين نقل دل خراش را ذکر کرده که خاتون نجيب در محاصره اورشلیم با دست خود بچه شيرخوارده خود را گشته مخفي خورد و اين احوال شهرت يافته پس تمامي اهل شهر هر چند مشقت زياد کشيده مخوف و رميده گشتند پس با وجود آنکه تاريخ نويسان در باره اين مقدمات بقول انبيا اشاره نموده ليکن احوالات مذکور با دقت تمام تهديدات هولناک حضرت موسي را وفا کرده پس در باره اين تحقيقات نظير اقوال انبيا لامحاله از الهام پروردگار بوده که جناب اقدس الهي تنها بفسف و فجور قبائل عارف است تا بکجا خواهد انجاميد \* و حضرت موسي و پيغمبران ديگر نيز پيش فرموده اند که بني اسرائيل جمعيت قليل خواهند گرديد و در پيش دشمنان خود مقتول شده و تکبر و قدرت خودشان

شکست یافته و شهرهای ایشان خراب و قوم خود پایمال و ذلیل گشته پس از زمین خود چیده و بطریق بنده فروخت شده لیکن کسی نخواهد که آن‌ها را بخرد و دیگر قلعه جایگاههای بلند خودشان ویران گشته و هم در اطراف مذبح‌های ایشان استخوانهای خود ریخته شده و نیز که اورشلیم محاصره گردیده و بواسطه برج و قلعه دشمنانش احاطه و مستخر گشته و آخر الامر مانند محلّ زراعت شیار شده خراب خواهد گردید و دیگر پیش اعلام شد که خداوند موافق اعمال خودشان آن قوم را جزا داده و برای کلّ شرارت‌های ایشان ایشان عوض خواهد نمود چنانکه حزقیل در آیه ۱۵ فصل ۱۷ نبوتش فرموده است شمشیر در بیرون و طاعون و قحطی در اندرون آنکه در صحرا است با شمشیر خواهد مرد و آنکه در شهر است قحطی و طاعون او را تمام خواهد نمود \* و این اقوال انبیا با نقل مفصل که حضرت عیسی در باره محاصره و خراب شدن اورشلیم داده موافقت نموده و بغیر از علامات و نشانهای بسیاری که حضرت مسیح در این باب در خطائب و منائیل خود فرمودند پس قول الهامی آن جنابرا نسبت به اورشلیم سه نفر از ساگردانش با تفصیل مرقوم کرده اند و این قولها بشاگردان حضرت مسیح اعلام شده چون جناب مذکور حالت هیکل را فرموده پس ایشان از او پرسیدند که چه وقت این چیزها واقع خواهد گشت و علامت آمدن تو و انقضای عالم چیست پس جواب آن حضرت تماماً مضمون سؤال را بیان نموده و احوالات را پرهویدا می‌سازد \* و رحلت حضرت مسیح سی و هفت سال قبل از هلاکت اورشلیم واقع شده و موافق کلّ گواهی آیام قدیم سه جلد اول از انجیل یعنی انجیل متی و مرقس و لوقا اشتهاار یافته و اقلادواز آن سه نفر پیش از خراب شدن شهر مذکور وفات یافته و نسخه‌های انجیل با سرعت بر آن قدر ممالک متمر گردیده که در خصوص آن قول دشمنان دین مسیحی که هرگاه خیلی بوده دفعتاً اظهار می‌ساختند \* و شهادت شهرت انجیل پیش از خرابی

اورشلیم آن قدر قائم و بی‌شک بوده که نه یولیان و نه پرفری و نه سلسس که سه نفر مفاقی مشهور و قدیم باشند ایرادی را در حق آن مقدمه نگرفته پس حقیقت این قول بر بنیاد مضبوط محکم شده و مقدمات در خصوص وفا شدنش بحدی است که احتمال نزاع نمانده و دیگر در ابتدای جنگ یهودیان با دولت روم یوسفس تاریخ‌نویس مذکور از سرداران مشهورترین یهود بوده و مقدمات را که مرقوم ساخته خودش ملاحظه نموده در خصوص حقیقت تاریخش به سپاسیان و تیطس که اولاً سرداران و بالآخره پادشاهان روم بودند پس بایشان دعوت کرده و گواهی نادر بتحقیق نوشتجاتش آن شده که تیطس دست‌خط خود بطریق شهادت بر آن کتاب گذاشته و دیگر تاریخ مزبور اشتهار یافته در ایامی که احوالاتش تازه و مشهور شده و یوسفس هر چند با دقت تمام احوالات آن ایام را نوشته یعنی کیفیت الهامات غیبی حضرت مسیح را تصدیق نموده لیکن تاریخ‌نویس مذکور خیلی احتیاط کرده که نام آن جناب را در این احوالات مذکور نساخت و دیگر چند نفر تاریخ‌نویس در میان بسیاری از واقعات مسطور را تحریر کرده اند \* و اقوال الهامی که حضرت مسیح در باره اورشلیم فرموده همین شده مثلاً در انجیل یعنی در فصل ۲۴ متی و ۱۳ مرقس و ۱۱ لوقا مرقوم است که \* پس عیسی از هیکل بیرون آمد و شاگردان وی بجهت آنکه عمارت هیکل را بوی نشان دهند پیش آمدند و عیسی ایشانرا فرمود که آیا همه این چیزها را نمی‌بینید بدرستی که بشما راست میگویم که در آنجا هیچ سنگی بر سنگی گذاشته نخواهد شد مگر آنکه انداخته خواهد گردید \* و چون بر کوه زیتون قرار گرفت شاگردان وی به پنهانی نزد وی آمده گفتند که ما را خبر ده که چه وقت این چیزها واقع خواهد گشت و علامت آمدن تو و انقضای عالم چیست عیسی در جواب آن‌ها فرمود که احتیاط نمائید تا هیچ کس شمارا نفریبد ز آنرو که بسیاری با اسم من آمده خواهند گفت که منم مسیح و گروهی را فریب خواهند داد یقین که جنگها و اخبار



مکارها و فریب‌دهنده‌گان برگشته که خلق را فریفته تا بیابان در پیروی خودشان کشیدند پس اسانی ایمان یهود عقوبت منافقت پیشین ایشان گردید و در یکی از هجومهای قوم مذکور سربازهای روم دویست نفر از یهودیان اسیر کرده و دو مقابل این عدد گشتند \* و جناب مذکور باز فرموده که جنگها و اخبار جنگها خواهد شد که طائفه بر طائفه و ملکی بر ملکی خواهد برخاست \* و موافق این فرمایش پس یهودیان در باره نصب کردن شکل و صورت کلنگه امپراطور در هیکل خودشان مقاومت نموده پس از عداوت و جنگ رومیان آن قدر ترسیدند که مزارع ایشان غیر مزروع ماند و در شهر قیصریه یهودیان و سوریان از برای سلطنت جنگیده که بیست هزار نفر از طائفه یهود کشته شدند و باقی مانده ایشان از شهر اخراج گشتند پس اهل هر شهر صوریه که شام باشد بدو لشکر منقسم گردیده و گروههای خلق مقتول شدند و در دو شهر یعنی اسکندریه و دمشق احوالات خونبار نیز واقع شد که در اسکندریه تخمیناً پنجاه هزار نفر و در دمشق تخمیناً ده هزار نفر یهود عرضه حربه گشتند و علاوه بر این قوم یهودیان بر رومیان جنگ و طغیان را برانگیخته و دیگر مملکت ایتالی که ولایت خود رومیان باشد از جهت جنگها در باره سلطنت خیلی مغشوش بوده که دلیل اضطرابات آن ایام این باشد که در مدت دو سال چهار نفر امپراطور یعنی نیرو و غلبه و اوئو و پیتلیوس بقتل رسیدند \* و باز موافق قول حضرت در بعضی جایها قحطها و طاعونها و زلزله‌ها پدید گشته مثلاً در سلطنت قلودیوس قیصر چند قحطی علیحده واقع شده و مدت سالها در تمامی زمین یهودیه قحطی شدید بوده و در عقب آن مصیبت طاعون برآمد و باز در سلطنت امپراطور مزبور در شهر روم و آپمیه و جزیره قریبت زلزله‌ها اتفاق افتاد و دیگر در سلطنت نیروی امپراطور در کپنیه و لآودیکیه زلزله واقع شده و شهرهای هیرپلس و کلسی از جهت زلزله خراب شدند و علاوه بر این در تواریخ مرقوم گشته که در مکانهای

دیگر پیش از هلاکت اورشلیم زلزله‌ها پدید گردید و تاریخ‌نویس یهود که یوسفس باشد گفته که قوانین عالم از برای هلاکت انسان برهم خورده که شخصی بطریق اسانی تصور می‌نمود که بلاهای شدید نزدیک می‌باشد \* و باز حضرت عیسی فرموده که \* توهمات و نشانه‌های عظیم از آسمان واقع می‌شود \* و موافق آن قول پس تِسْطَس و یوسفس تاریخ‌نویسان با یکدیگر اتفاق نموده واقعات عجیب را نقل کرده اند که حکایت‌های ایشان بقول مذکور موافقت تمام داشت و در باب این مقدمه جای ایراد نمانده چون عقل انسان این توهمات را هر چه باشد هرگز نتوان پیش‌تر دانست پس فی‌الحقیقه در پیش فرمودن این عجیبات و نیز در تحریر آن واقعات بواسطه تاریخ‌نویسان که نسبت به دین حضرت مسیح عدو بودند مقدمه عجیبی نمایان است \* و دیگر حضرت مسیح بشاگردانش فرموده که شمارا به مصیبت خواهند سپرد و شمارا محبوس خواهند ساخت و شمارا خواهند زنجانید و بجهت اسم من همه‌گی قباثل شمارا دشمن خواهند داشت و بسیاری از شما خواهند گشت \* و موافق این الهامات پس از حواریان بطروس و شمعون و یهوداه مصلوب شده و پولس گردن زده گردید و متی و تومس و یعقوب و متدیوس و مرقوس و لوقس در ولایت چند بانواع مختلف مقتول گشتند خلاصه بخود اسم مسیحی عداوت و جنگ برخاست چون در هر جا تعصبات و منفعت بزرگان بت پرستی بر خلاف این مذهب آمده و در این خصوص يك واقعه مشهوری ذکر توان نمود پس نیروی امپراطور که تا خودش از گناه سوزاندن شهر پای تخت خود که روم باشد خلاصی دهد این عمل فاسدرا بطریق دروغ بمسیحیان بی‌تقصیر ثابت کرده بر آن بی‌چاره‌گان سیاست شدید کرد حتی زنجهای آن بی‌گناهان برای اهل بی‌رحم روم تماشا و بذله‌بازی گردید \* و حضرت باز فرموده که بسیاری لغزش خواهند یافت و یکدیگر را خواهند سپرد و محبت بسیاری افسرده خواهد گشت \* و موافق این فرمایش پس پولس حواری خیلی از

اوقات از جهت برادران ناراست شکایت کرد که بسیاری از مذهب خودشان برگردیدند و تَسْطُوسِ تاریخ نویسی مذکور گواهی داده که بسیاری از ملت مسطور ملزم شده از جهت شهادت انانی که پیشترها خودشان در باب این دین مشهور بودند \* و اما موافق قول حضرت مسیح انجیل در تمامی دنیا ندا و وعظ گردیده باوجود بیم و ظلم کلی که بخلاف آن مذهب برخاست و از زمان حواریان پس نامه‌ها بمسیحیان شهرهای روم و قرنطوس و افسوس و فلپی و کلسی و تسلیقه و باهل این مذهب که در ولایت پنطوس و گلاطیه و کپدوقیه و آسیه و بتونیه شدند مرقوم و ارسال گردید \* و در مدت قلیل بعد از آنکه حضرت مسیح الهامات مذکور را فرموده بود خود آن جناب مقتول گشته و شاگردانش در اجماع اول ایشان گروهی کوچک تخمیناً یکصد و بیست نفر بودند و این ملت هرچند در نظر انسان ناامید مانده لیکن در مدت قلیل دین انجیل را تا به آفاق دنیا رسانیدند و آیا کیفیت و قصاراً که حضرت مسیح دیده بود میشود که وعده چنین نتایج را داده باشد و آیا کار دیگر بواسطه چنین سببها که دعوت حواریان باشد مظهر گردد و آیا عمل دیگر بود که مانند دین مسیح مقاومت را دیده بود و آیا چیزی از این کم احتمال شده که بطریق هویدا پیش مقرر فرمایند و واقعاً محقق گردیده باشد و تمامی این واقعات قبل از هلاکت اورشلیم بهمرسید پس انتهای زمان آن شهر نزدیک گردیده و علامات خراب شدنش احتیاط و آگاهی را داده که مسیحیان از شهر مزبور فرار کردند \* و موافق قول حضرت مسیح اورشلیم محاصره گردیده چون قشونهای دولت روم با بیدقهای بت پرستی خودشان که یهودیان آنرا نفرین دانسته آن شهر را احاطه ساخته و اما این احوالات محاصره هرچند عقلاً محل فرار نگذاشته لیکن کلمات حضرت عیسی شاگردانش را نفریفته چون سردار رومی اورشلیم را محصور کرد لیکن دافعتاً بر خلاف اعتماد انسانی مهلت برای فرار کردن داده چون ناگهان و بی سبب مراجعت

لشکرا نموده هر چند بعضی از بزرگان اورشلیم خواستند که ابواب قلعه را بر رویش مفتوح سازند \* و یوسفس مذکور اقرار نموده که در میان محاصره شده گان اضطراب و اشفتگی تمام افتاد که یقیناً هرگاه سردار مزبور حمله آورده باشد پس شهر مغلوب می شد و آن تاریخ نویس از تقدیرات و عقوبات صادق خدا شمرده که اورشلیم در آن ایام مسخر نشد چون نقل کرده که بسیاری از نجیب ترین ساکنان این شهر چنانکه از کشتی مستغرق فرار کردند و دیگر مرقوم ساخته که هنگامی که سپاسیان سردار دیگر قصد آن بلاد را کرده پس اجماع خلق از شهر یریحو تا بکوهستان گریخته و بهمان مقام و بشهر پله کل شاگردان حضرت عیسی فرار نمودند و در میان تمامی بلاها که بر اورشلیم واقع شد پس موافق قول حضرت موئی از سر ایشان کم نشد \* و حضرت باز فرموده که در آن وقت مصیبت عظیمی خواهد بود که از ابتدای عالم تا بحال مثل آن واقع نشده است و نخواهد شد گرفتاری عظیم بر زمین خواهد بود و این طائفه را سخط که آن روزها است روزهای انتقام \* و بعضی از کلمات حضرت عیسی در باره هلاکت اورشلیم چنین شده و تمامی اقوال الهامات پیشین نسبت بآن مقدمه همین خبر و مطلب غمناک را میرساند و دیگر یوسفس واقعات آن محاصره را یک بیک نقل ساخته پس حکایاتی از بلیات شده که نسبت بآن مصیبات چیزی را نتوان افزود و تاریخ نویس مذکور مکرراً گفته با عبارتی که کلاً با اقوال انبیا موافقت داشته که بلیات مذکوره در تواریح بنی آدم بی نظیر بوده و هیچ نقل از روی هم و یا از طریق تفصیل خبر درست را در باب آن مصیبات نرسانیده چون بسیار شدید بود که گاهی قومی دیده باشد و یهودیان از تمامی ولایت در اطراف اورشلیم بآن شهر جمع شده که عید فصیح خودشان را گذرانند و شهر از مردمان پر گشته در میان دیوارهایش از جهت عساکر روم محبوس گردیدند و عید فصیح که یادگاری از خلاصی بزرگ نخستین ایشان از مصر شده بود پس ایشانرا برای

هلاکتِ شدید بالآخره جمع گردانید \* و قبل از آنکه دشمن از بیرون رو نماید پس در میانِ خودشان منازعت و فتنه غالب آمد حتی خون هزاران با دست برادرانِ خود ریخته شد و در دیوانگی خودشان آذوقه را که داشتند خراب کرده سوختند و قوم مزبور حکمرانی با قاعده نداشته و سه فرقه گردیدند که یکی جهتِ محاربه در میان تمام گشته پس دو فرقه باقی مانده، ایشان برای سلطنت جنگیده تا آخر الامر آن فرقه که از دیگری بیشتر وحشی و خون خوار و دیوانه بود که آنها را دزدان و اهل رشک نامیده غالب آمد پس اینها در صورتی که قربان را گذرانیده بهیکل داخل شدند و برای قتال سلاح مخفی را داشته نزد مذبح کاهنان را گشته خون ایشان بعضی خون قربانها در دورِ مذبح روان شد و من بعد این فرقه درنده با دشمنان بیرون شهر که لشکر روم باشد هیچ شرطِ مصالحه را قبول نکرده و نگذاشتند که کسی از شهر فرار کند پس بهر خانه داخل شده و هر چه از انواع آذوقه بوده آنرا برداشتند و نیز باهل خانه بی رحمیهای شدید را عیناً نمودند \* و هجومِ دیوانگی ایشان را هیچ چیز باز نداشته و در هر جای که نشانی و یا بویی از آذوقه پیدا میشد چون سگ آنها تجسس می کردند و هر چند قحطی و گرسنگی عموم گردیده و در هر جا مردهگان پایمال شده و هر چند خانه های زندهگان تربت مردگان گشته لیکن هیچ چیز آن دیوهای انسانی را ترسان و مخوف و راضی نکرد تا آنکه مریم بنت العازر خاتونی که اول غنی و نجیب بودد بایشان باقی آذوقه خود را داده چون بوی طعام آنها را بخانه او کشید یعنی لقمه تلخ ترین که مادر و یا انسان دیگر گاهی چشیده که گوشت نیم خورده، بچه شیرخواره خود باشد \* و شصت هزار لشکر رومی بی توقف آنها را محاصره نموده و در دورِ اورشلیم دیواری را بطریق قلعه ساخته پس آن جمعیت را از هر طرف محصور نموده و دیوارهای بلند و منبسط ایشان را سرنگون کرده و قاتلان را قتل نمودند و خلیق را معاف نکردند باوجود فرمایش و تهدیدات و مقاومت سردار

خودشان پس سرباز رومی هیکل را سوختند که با آن عمارت امید آخرین کل یهودیان منقطع گردیده پس در ملاحظه آن افروختگی آن قوم فریاد و نعره شدیدترین را زدند در آنجمله ده هزار نفر از یهودیان عرضه حربه گشته و شش هزار از ایشان در آتش هیکل مردند و تمامی شهر از مقتولان و تسلیم کننده جان از جهت گرسنگی پر شده و چیزی بغیر از ناامیدی و خوف و هول بنظر نیآمده و ناامید شدهگان به آبریزها و گندابهای شهر پناه آوردند و در آنجا دو هزار مرده پیدا شد و بسیاری که هنوز زنده بودند بیرون کشیده گشته شدند و سرباز رومی بی فرق همگی را بقتل رسانیده و تا خسته و بی قوت نشدند از این عمل قتل دست برداشتند و اما شمشیر را بغلاف نهاده پس آتش بخانهها زدند که شهر از هر جا آتش گرفته و شعلهها بهر طرف کشیده اورشلیم موافق قول انبیا تلها گشته و کوه هیکل مانند بلند جایگاه جنگل گردید \* و در میان اورشلیم و حوالی آن در مدت پنج ماه دشمنان و قحطی و غارت و طاعون بقدر یکهزار هزار و یکصد هزار نفر انسان تلف کردند که حکایت هر کدام ایشان نقل هولناک بوده پس آیا در جای دیگر گاهی اتفاق افتاده که آنقدر مصیبات و تنگنایی در یکجا جمع شود و آیا ممکن بوده که اقوال انبیا و وقایع هولناک با دقت حرف بدیشتروفا و وقوع یابد \* و انتظار قتل خود هنگامی که حضرت عیسی در راه گلوری رفته که در آنجا مصلوب شد پس آن احوال و سیاسات بنظرش آشکارتر نیآمده و گویا از بلاهای اورشلیم بخود آن حضرت کم تأثیر نمود و چه نرم دل و چه محقق و راست بود جوابی که آن جناب رنج کش و تسلی گو فرموده از جهت نالشها و شکایتهای زنایی که او را تعاقب نموده چون ایشان برگردیده و شهر را دید که احتمالاً بعضی از آنها تا بهلاکت شهر ماندند پس فرمود که ای دختران اورشلیم بر من مگرئید بلکه بر خود و فرزندان خود بگرئید زیرا که می آید ایامی که در آن خواهند گفت که خوشحال عقیمهها و رحمتهایی که نژادند

و پستانهایی که شیر ندادند و آنگاه شروع تکلم بکوها خواهند کرد که بر ما بیفتید و بتلها که مارا پنهان نمائید زیرا که چون کرده می شود این اعمال با چوب تر با چوب خشک چه خواهد شد \* و هیچ مکار و فریب دهنده در چنین احوالات هرگز همچنین اخلاق و ترحم را ننموده و یا از طریق تصدیقات امر خود البته کاذبی بهیچ وجه من الوجوه چنین مقدمات بی احتمال و حیرت نما و محقق را پیش نگفته و لیکن حضرت عیسیٰ قضای الهی را هویدا نموده چون آن سردار که همین قول را بویا آورد گرفتاری و هلاکت اورشلیم را چنین تأویل داده و اقرار کرده که بدون قضای الهی در این باب قدرت خود باطل میگردد و وقتی که اورا از برای فتح خود نوازش میکردند پس این سردار تیطس نام آفرین و تحسین آنها را قبول نکرده فرمود که خودش تنها وسیله برای اجرای قضای الهی شده و تاریخ نویس یهود یوسفس مذکور موافق فرمایش قول مقدس در این خصوص تقریر کرده که گناهیایی یهودیان مانند عقوبات ایشان بی نظیر بوده است \* و کل این اقوال انبیا که تغتیش و ملاحظه واقع شدن آنها را در این کتاب نموده ایم در زمان عین صلح و سلامت اعلام گشته در هنگامی که یهودیان هنوز حکام شرع خودشان و حمایت ممالک روم را داشتند چنانکه مطیع اقتدار دولت مذکور بودند که در آن ایام آن دولت بمرتبه بلندترین قدرت رسیده بود \* و تعجب شاگردان حضرت عیسیٰ نسبت باستقرار و ثابت شدن هیكل باعث شده که آن جناب هلاکت تمام آن عمارت مضبوط را پیش فرمود و نیز پیش خبر داده بود که مسیحان کاذب و پیغمبران دروغ گو ظهور خواهند کرد و دیگر که جنگها و اخبارات جنگ و فحطها و طاعونها و زلزلهها و توهمات پدید خواهد گشت و نیز فرمود که شاگردانش ظلم و ستم را دیده و بسیار ایشان مرتد خواهند گردید لیکن انجیل مشهور و منمر خواهد شد و علاوه بر این از علامتی خبر داد که شاگردانش آنرا دیده و از هلاکت آینده فرار بکنند

و ایضا بر این محاصره و احاطه ساختن اورشلیم و تنگنایی زنان و مصیبت بی نظیر کل مردمان و خرابی تمامی شهر و کوتاه شدن زمان سیاست ایشان تا آنکه بیشتر خلاصی جاوید را بیابند پس تمامی این بلاهای ترسناک را پیش خبر داده و دیگر فرموده که کل این مقدمات در مدت ایام یک طبقه خواهد گذشت و بغیر از آن جنابی که انتهارا از ابتدا دیده کسی قادر بر این نشده که تمامی این احوالات را پیش خبر داده و وصف فرموده باشد پس وقوع یافتن این اقوال با دقت تمام بی شک و شبهه برهانی گردیده که همان قول از الهام خدا می باشد \* و اما قول الهام غیبی مقدمات کوچکتر را نیز نشان داده که گویا نسبت بکیفیات مذکور کم احتمال داشته که واقع شوند مثلاً که اورشلیم بایست مانند محل زراعت شیار بشود و شهر با زمین هموار گردد و از هیکل سنگ بر سنگی نماید و یهودیان گروهی کوچک گردیده و بطریق اسیری بهر قوم برده در حالت بنده گی فروخته شوند حتی کسی آنها را نخرد پس هر کدام از این اخبارات غیب با دقت تمام تحقیق گردید \* و موافق این فرمایشات پس تیطس سردار مذکور حکم داد که کل شهر و هیکل از بنیاد کنده شد و سرباز از فرمایش او مضایقه ننموده چون حق خدمت و عداوت و طمع مال عامل شده پس مذبح و هیکل و دیوارهای شهر را از بنیاد سرنگون ساختند از جهت خزانی که یهودیان در تنگنایی محاصره پنهان و مدفون کرده بودند و سه برج و حصه از دیوار قلعه در جای خود بطریق علامت و یادگاری اورشلیم مانده وبس و من بعد شخص ترنطیس روفس نام جای شهر را شیار کرد \* و در محاصره مزبور و در هلاکت شهرها و دهات ولایت یهودیه در پیش و پس خراب شدن اورشلیم موافق فهرست مفصل یوسف تخمیناً یک هزار هزار و سیصد هزار نفر تلف شدند و بقدر نود و هفت هزار نفر اسیر گشته و بطریق بنده فروخته شدند و آن قدر حقیر و بی حساب شمرده شدند که از برای ایشان مشتری پیدا نشد و مظفران ایشان جان آن



بی چاره‌گان را چنین مصرف و ضائع کرده که بطریقِ حرمتِ روزِ ولادتِ  
 دَمِیْطِیَّانِ امِیرِ اطوّر دو هزار و پانصد نفر ایشان را بجهتِ بازی بی رحمانه بمیدان  
 انداخته که بجانور درنده حمله بکنند و در سیاقِ دیگر مقتول گردند \* و اما  
 تنگنائی و مصیبتِ نَسَب و قومِ مذکور آنگاه بانجام نرسیده چون بر زمین  
 آنها لعنت بوده که گویا وی را سوزاند و بر خلق هم قضایای الهی مانده که  
 آنها را با فاقِ دنیا پریشان و متفرق ساخته و بسیاری از الهاماتِ غیبی در  
 خصوصِ ایشان باز مانده و خیلی از تواریخِ ایشان هنوز نقل نشده ولیکن  
 اقوالِ انبیا در این باب هویدا و آشکار می‌باشد \*

### بابِ دَوِیم

#### در حوادثِ یَهُودِیَّانِ

بدانکه در هنگامی که حضرت موسی از مرتبهٔ صاحبِ شریعتِ الهی بنی  
 اسْرَائِیل را وعده کرده که فرخنده‌گی و سعادت و سلامتی ایشان مقابل و برابرِ  
 اطاعتِ خودشان خواهد شد پس آنها را با درجاتِ بلیات و عقوبات ترسانیده  
 که در صورتِ عدمِ توبه و کثرتِ فسادِ خودشان آن بلیات شدید خواهد  
 گردید و در بارهٔ برکات و عقوبات پروردگار با همان طریق بقومِ دیگر توضیح  
 نموده و از جهتِ شرارتِ قومِ مذکور پس بلاهای ایشان خیلی سنگین شد  
 و هنوز بانجام نرسیده و حکایاتِ یَهُودِیَّان بعد از متفرق شدن ایشان همین‌را  
 آشکار ساخته که در این آیامِ احوالاتِ قومِ مذکور را با کلماتِ محقق‌تر نتوان  
 وصف نموده از آن الهامات که پیغمبرِ ایشان سه هزار و دویست سال و بیشتر  
 قبل از این فرموده و در بارهٔ حالت و کیفیتِ غریبهٔ قومِ مزبور چنانچه تا